

راهبردهای ارتقای مدارای اجتماعی با تأکید بر نقش سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی

• مصطفی دومهری^۱، شاپور بهیان^۲، اسماعیل جهانبخش^۳

چکیده

مطالعه و پژوهش در زمینه مدارای اجتماعی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در افزایش سطح تعاملات فرهنگی و اجتماعی، مشارکت، انسجام و امنیت اجتماعی، احساس امنیت و همدلی می‌تواند نقش بسزایی در توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه داشته باشد. در این راستا، می‌توان از سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی به عنوان دو عامل راهبردی مهم در جهت ارتقای مدارای اجتماعی نام برد. مقاله پیش رو با استفاده از نظریه منش و میدان بورديو به تأثیر و نقش سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بر مدارای اجتماعی پرداخته است. برای سنجش مدارای اجتماعی از ترکیب نظریه‌های پیتربکینگ و وگت و ابعاد مدارای هویتی، مدارای اجتماعی، مدارای سیاسی و مدارای اخلاقی - رفتاری استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شهروندان ۱۵ تا ۴۴ سال استان مازندران است. روش پژوهش پیمایشی و از نوع توصیفی است و داده‌های مورد نیاز پژوهش از طریق ابزار پرسش‌نامه گردآوری شده است. تحلیل داده نیز با نرم افزار SPSS و Amos انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و ابعاد آن‌ها با مدارای اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. نتایج آزمون مدل ساختاری بیانگر تأثیر مستقیم سرمایه اجتماعی (Beta: 0/29) و سرمایه فرهنگی (Beta: 0/39) بر مدارای اجتماعی است. همچنین سازه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی توانسته ۳۸ درصد از تغییرات سازه مدارای اجتماعی را تبیین کند. به بیانی دیگر، این دو مؤلفه ۳۸ درصد در ارتقا یا کاهش مدارای اجتماعی اثرگذارند و در برنامه‌ریزی راهبردی سازمان‌ها و نهادهای مختلف کشور می‌توانند مورد توجه قرار گیرند.

واژگان کلیدی:

مدارای اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی.



مقدمه

همه ما خصوصیات و شخصیت منحصر به فرد خود را داریم که باعث تفاوت ما با یکدیگر می‌شوند. این خصوصیات و صفات، که پایه‌های بهبود جامعه هستند، در واقع بیشترین اهمیت را دارند. مدارا از آن ویژگی‌هایی است که بستر جامعه را تشکیل می‌دهد. جهان امروز مکان بسیار کوچک‌تری است و جهانی شدن مرزها را در سراسر جهان دگرگون کرده است. افراد بیشتری از ملل، فرهنگ‌ها، آیین‌ها و سبک‌های زندگی مختلف بیش از گذشته در کنار هم کار و زندگی می‌کنند. در جهانی شدن افراد با پیشینه‌ها، فرهنگ‌ها و اعتقادات مختلف با هم زندگی می‌کنند، و جهان از هر زمان دیگری چندفرهنگی‌تر و متنوع‌تر شده است. در این شرایط، ایجاد مدارا و هماهنگی بسیار مهم و پرورش عشق و علاقه متقابل حیاتی شده است. «مدارا به معنای احترام گذاشتن و یادگیری از دیگران، ارزش دادن به اختلافات، از بین بردن شکاف‌های فرهنگی، رد کلیشه‌های ناعادلانه، کشف نقاط مشترک و ایجاد پیوندهای جدید است. مدارا، از بسیاری جهات، نقطه مقابل تعصب است» (ادیبی سده، رستگار و بهشتی، ۱۳۹۱: ۳۶۵).

اهمیت مقوله مدارا به قدری است که پیامبر اسلام (ص) مدارا کردن با مردم را مهم‌ترین رکن عقلانیت بعد از ایمان به خدا معرفی می‌کنند و امام علی (ع) آن را نتیجه خردورزی می‌دانند (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۲). در جهان معاصر با تنوع فرهنگی، قومی، نژادی، زبانی و درهم‌تنیدگی محیط‌های مختلف اجتماعی و درهم‌نوردیدن مرزهای جغرافیایی با فناوری‌های ارتباطی و ابزارهای نوین و عرصه‌های مجازی تعاملی اثرگذار در زندگی مردم، نمی‌توان به راحتی از نقش تأثیرگذار مدارای اجتماعی گذشت. در اولویت قراردادادن و برنامه‌ریزی برای ارتقای مدارای اجتماعی در ایران از سوی سیاست‌گذاران و دولت‌مردان از سه منظر تنوع فرهنگی، مذهبی، و قومی در کشور؛ افزایش چشمگیر آمار خشونت و پرخاشگری، نزاع و درگیری، طلاق، قتل، توهین و افترا به دنبال تغییرات گسترده جامعه در گذر از سنت به مدرنیته؛ و آسیب‌های روحی، روانی، اقتصادی و اجتماعی حاصل از همه‌گیری کرونا در شرایط کنونی بسیار حائز اهمیت است.

کشور ایران با اقوام، مذاهب، نژادها، فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، زبان‌ها و گویش‌های متنوع و پشتوانه تاریخی عمیق و گسترده، با فرصت‌ها و تهدیدهایی در ادوار مختلف تاریخ مواجه بوده است. مسئله تنوع و تکثر قومی و مذهبی در ایران هر زمانی که با اهداف استعماری بیگانگان همراه شد، به منبعی برای تهدید امنیت ملی کشور تبدیل شد. در تاریخ معاصر ایران، نمونه‌هایی از ردپای حضور بیگانگان را در آشوب‌های قومی نظیر

بحران آذربایجان، کردستان، غائله شیخ خزعل و ناامنی گروهک ریگی در سیستان به خوبی می‌توان مشاهده کرد. سکونت پنج قومیت ایرانی در مناطق مرزی و هم‌جوار با کشورهای هم‌زبان خود زمینه مناسبی را برای وقوع بحران‌های قومی در نقاط مرزی خلق می‌کند. اگر گروه‌های مختلف عقاید متعارضی در زمینه اخلاقی، سیاسی و مذهبی داشته باشند و هیچ جایگزینی برای زندگی کنار هم نیابند، بخش عظیمی از سرمایه اجتماعی جامعه در کشاکش درگیری‌ها به هدر خواهد رفت و در اینجاست که نقش مدارا بسیار حیاتی است (پیشگاهی فرد و امید، آوج، ۱۳۸۸: ۴۸).

از دیگر علل جدی‌گرفتن مبحث مدارای اجتماعی در ایران روند افزایشی نگران‌کننده خشونت‌های اجتماعی است. مؤسسه مطالعاتی گالوپ^۱ در آخرین گزارش خود در سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶ شمسی) ایران را عصبانی‌ترین کشور جهان معرفی کرد و آن را در رتبه نخست خشونت اجتماعی در دنیا قرار داد. طبق داده آماری این مؤسسه، از میان ۱۴۲ کشور مطالعه شده جهان در سال ۲۰۱۷ به ترتیب ایران، عراق و سودان جنوبی عصبانی‌ترین مردم جهان را دارند. میزان مردم عصبانی این کشورها به ترتیب ۵۰ درصد (ایران)، ۴۹ درصد (عراق) و ۴۷ درصد (سودان جنوبی) است (خبرگزاری مهر^۲، سوم تیرماه ۱۳۹۶). بر اساس آخرین آمارهای مربوط به خشونت در کشور، میزان خشونت خانگی و خانوادگی در ایران در سال ۹۹ نسبت به سال ۹۷ با حدود ۲۶ درصد رشد به ۴۶ درصد رسیده است. مطابق با این آمار، ۴۶ درصد مردم رفتار پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز در خانواده‌ها دارند و می‌توان در خصوص رتبه‌بندی خشونت در کشور چنین گفت که ۶۰ درصد خشونت‌ها از نوع کلامی و روانی و ۴۰ درصد نیز اذیت و آزار جسمی و اقتصادی بوده است. خشونت خانگی اکنون متوجه کودکان و سپس زنان جامعه است. خشونت علیه کودکان رشد پنج‌برابری و علیه زنان رشد سه‌برابری داشته است. بدون وجود مدارا، افراد جامعه تنها راه مقابله با عقاید متفاوت را خشونت خواهند دانست که در چنین صورتی نظام اجتماعی دچار اختلال و نابسامانی خواهد شد (خبرگزاری ایلنا^۳). با توجه به این واقعیات، بی‌شک ارتقای مدارای اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن به میزان چشمگیری موجب کاهش بسیاری از پرونده‌های قضایی در حوزه خشونت‌های خانگی، طلاق، توهین، فحاشی، افترا، نشر اکاذیب، ضرب و جرح، تهدید، خیانت در امانت، همسرآزاری، کودک‌آزاری، و همچنین کنترل پرخاشگری و عصبانیت خواهد شد.

در بررسی عوامل و ضرورت‌های پرداختن به موضوع مدارای اجتماعی، اثرات مخرب همه‌گیری کرونا در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر دنیا من جمله ایران را نمی‌توان نادیده گرفت. تبعات اقتصادی و اجتماعی کرونا موجب وقوع ابربحران‌های اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۳۹۹ به صورت افزایش گرانی‌ها و تورم و رکود و ورشکستگی واحدهای اقتصادی و بیکاری‌های گسترده و رشد آمار آسیب‌های اجتماعی شده است. تعطیلی مراکز فرهنگی و تفریحی؛ برجسته شدن پدیده شوم فقر؛ بیکاری؛ آسیب دیدن مشاغل کوچک و غیرثابت، روزمزد و فصلی از جمله تأثیرات ویرانگر این همه‌گیری بوده است. در دوران کرونا شیوه‌های زیست اجتماعی نوین در بستر شبکه‌ها و فضای مجازی شکل گرفته‌اند. امروزه سبک صلۀ رحم، گفت‌وگوها، مراسم ترحیم، اقتصاد و نشست‌ها تحت تأثیر شیوع کرونا تغییر کرده‌اند. به عبارتی می‌توان گفت سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در کشور دستخوش تغییرات جدی شده‌اند. کرونا، در عین حال، برای بشر امروز این پیام را دارد که راهی جز تعامل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با هم‌نوع خود را ندارد؛ بنابراین کرونا، در کنار تمام پیامدهای منفی، می‌تواند سرآغازی بر سبک زندگی مسالمت‌آمیز و مداراجویانه باشد (صالحی امیری، ۱۳۹۹).^۱

بررسی روندها و تغییرات اجتماعی و آمارها و ارقام فزاینده آسیب‌های اجتماعی نشان می‌دهد که پرداختن به مقوله مدارای اجتماعی و شناخت عوامل تأثیرگذار بر آن می‌تواند کمک شایانی به جامعه ایران نماید. استان مازندران، به علت تنوع مذهبی، فرهنگی و زبانی و افزایش مهاجرت‌ها از اقصی نقاط کشور به آن و قرارداشتن در بین استان‌های صدرنشین میزان رواج خشونت‌های خانگی و افزایش آن در چند سال اخیر به عنوان دومین جرم پرتکرار، و همچنین آسیب‌های فراوان در پی شیوع کرونا به‌ویژه در حوزه گردشگری، به عنوان نمونه آماری انتخاب و مطالعه شد. از میان عوامل تأثیرگذار بر مدارای اجتماعی می‌توان به موارد بسیاری اشاره کرد. با نگاهی دقیق به پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه مدارای اجتماعی، تعامل در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و اقتصادی اهمیت ویژه و نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین و اندازه‌گیری مدارا دارد. پیر بوردیو^۲ از سرشناس‌ترین نظریه پردازان جامعه‌شناسی است که با رهیافت تعامل‌گرایانه به نقش و اهمیت تعاملات، روابط و تأثیر شبکه‌های اجتماعی و فرهنگی در قالب تقسیم‌بندی سرمایه‌ها به اقتصادی، اجتماعی و

1. <https://www.irna.ir/news/83794192>

2. Pierre Bourdieu

فرهنگی پرداخته است. براین اساس، سرمایه اجتماعی^۱ و سرمایه فرهنگی^۲ را می‌توان دو عامل بسیار مهم و اثربخش بر مدارای اجتماعی قلمداد کرد. «برای بورديو سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از تماس‌ها، رابطه‌ها، آشنایی‌ها، دوستی‌ها، اعتبار و جایگاه اجتماعی هستند که بر روی کیفیت و کمیت کنش و واکنش‌ها، شبکه‌های ارتباطی و پیوندهایی که شخص را به افراد دیگر وصل می‌کنند نقش دارد» (گرنفل^۳، ۱۳۹۸: ۷۳).

پاتنام^۴ سرمایه اجتماعی را وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند و بر نقش سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در توسعه و بهبود تحمل اجتماعی تأکید می‌کند و عقیده دارد که اشکال مختلف سرمایه‌ها در میانجیگری و گسترش بینش و افق‌های ذهنی افراد، افزایش نسبی‌گرایی و تفکر نسبی و تغییر از هویت‌های منحصربه‌فرد متعدد مؤثرند (۱۳۸۰: ۲۸۵). به زعم چلبی و امیرکافی (۱۳۸۵)، پاتنام (۱۳۸۰) و سیگلر و ژوسلین^۵ (۲۰۰۲)، سرمایه اجتماعی یکی از عواملی است که باعث ارتقای مدارا نسبت به دیگران می‌شود. بدین معنی که افراد، زمانی که در شبکه‌های اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند و تحت تأثیر هنجارهای موجود در این شبکه‌ها با اقوام، مذاهب و اندیشه‌های متفاوت برخورد می‌کنند، به نسبت زمانی که در این‌گونه شبکه‌های اجتماعی شرکت نمی‌کنند و تحت تأثیر هنجارهای موجود در شبکه‌ها قرار نمی‌گیرند (یعنی زمانی که از سرمایه اجتماعی اندکی برخوردارند)، نگرش مداراجویانه‌تری نسبت به این‌گونه تفاوت‌ها نشان می‌دهند (شارع‌پور، آزاد ارمکی و عسکری، ۱۳۸۸: ۶۵). سرمایه اجتماعی، به تعبیر بانک جهانی، به منزله چسبی است که انسجام جوامع را تضمین می‌کند و سیستم محوری امنیتی است که از بروز خشونت و کشمکش جلوگیری می‌کند و مدارا را افزایش می‌دهد (فاین^۶، ۱۳۸۵: ۲۸۵). سرمایه اجتماعی با ارتقای شناخت اجتماعی موجب بهبود روابط اجتماعی می‌شود و مدارای اجتماعی را به دنبال دارد. اما سرمایه فرهنگی اصطلاحی است که بورديو برای نشان دادن نمادها، ایده‌ها، سلیقه‌ها و ترجیحات معرفی کرده و می‌تواند، از نظر راهبردی، به عنوان منابعی در کنش اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. او این سرمایه فرهنگی را «عادت»، گرایش اجتماعی متمایل یا تمایل به عمل، تفکر یا احساس به روشی خاص می‌داند (Siisianen, 2000: 158). با توجه به دیدگاه بورديو،

1. social capital
2. cultural capital
3. Grenfell
4. Putnam
5. Cigler & Joslyn
6. Fine

می‌توان مدارای اجتماعی را به منزله شیوه تفکر و منش هر فرد در نظر گرفت که با قرارگرفتن در عرصه‌های مختلف فرهنگی تفسیر می‌شود (قاسمی و نامدار جویمی، ۱۳۹۳: ۱۱).
بر این اساس و با توجه به اهمیت سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی در زندگی معاصر و بسط آن به عرصه‌های مختلف حیات زندگی بشر، هدف این پژوهش راهبردهای ارتقای مدارای اجتماعی با بررسی نقش سرمایه فرهنگی و اجتماعی و ابعاد آن بر مدارای اجتماعی و مؤلفه‌هایش است و پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. سرمایه اجتماعی و ابعاد آن تا چه میزان بر تغییر مدارای اجتماعی تأثیرگذارند؟
۲. سرمایه فرهنگی و ابعاد آن تا چه میزان بر تغییر مدارای اجتماعی تأثیرگذارند؟
۳. سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی تا چه میزان بر تغییر مدارای اجتماعی در استان مازندران تأثیرگذارند؟

مبانی نظری پژوهش

در بررسی ریشه لغت مدارا در فرهنگ اروپایی و در لغت نامه دهخدا تشابه معنایی وجود دارد که در هر دوی آن مدارا به معنای «بردباری، به نرمی رفتار کردن و سازگاری داشتن» آمده است. محققان و اندیشمندان ایرانی، در مقابل واژه Tolerance، از واژه‌های هم‌معنی مانند تحمل اجتماعی، بردباری اجتماعی، تساهل اجتماعی، شکیبایی و مدارا استفاده می‌کنند که لزوماً معنای یکسانی ندارند.

در بین صاحب‌نظران، مدارا مفهومی چندبعدی در نظر گرفته شده است. پیتر کینگ^۱ در مدل خود درباره ابعاد مدارا چهار بُعد شامل مدارای عقیدتی، مدارای سیاسی، مدارای هویتی و مدارای رفتاری را در نظر می‌گیرد (۱۹۷۶: ۴۰). فتحعلی (۱۳۷۸) به بررسی انواع مدارا. مدارای اخلاقی، دینی و سیاسی. می‌پردازد. وگت^۲ نیز مدارا را به سه نوع مدارای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی تقسیم‌بندی می‌کند (عسگری و شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۲). همچنین می‌توان از دو منظر به مدارا نگاه کرد؛ یکی به عنوان فضیلت اخلاقی و دیگری به عنوان ارزشی اجتماعی. دیدگاهی که مدارا را به عنوان فضیلت اخلاقی می‌نگرد جامعه‌ای اخلاقی است که ستون پایه‌های اخلاقی خویش را بر مبنای احترام به دیگری مخالف می‌گذارد. دیدگاهی که مدارا را ارزش اجتماعی و سیاسی می‌داند از آن به عنوان ملاطی برای هم‌بستگی اجتماعی استفاده می‌کند که در سایه آن هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین اقوام، گروه‌ها، احزاب و طبقات مختلف و متفاوت امکان‌پذیر می‌شود (Dijker & Koomen, 2007: 173).

1. Peter King

2. Vogt

دنیس یتیس^۱ مدارا را آزاد گذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا نگهداری عقاید و اعمالی می‌داند که دیگران آن را به منزله عملی اشتباه یا تفرانگیز در نظر می‌گیرند (۳: ۲۰۰۷). در نتیجه می‌توان گفت که مدارا با احترام و تحمل اعتقادات و رفتارهای مخالف و مؤلفه‌هایی چون وجود تنوع و اختلاف، ناخشنودی و نارضایتی، وجود آگاهی و قصد، توافق، وجود قدرت و توانایی مداخله، و در نهایت، کنترل خویش و مهار خویش در مداخله و مقاومت ملازم و همراه است.

برخی صاحب‌نظران نیز بر نقش مؤثر نهادها و ساختارهای اجتماعی در رفتارهای مداراجویانه با رویکرد جامعه‌شناختی تأکید دارند. ایکدا و ریچی^۲ بر این باورند مشارکت فرد در جامعه و حضور در شبکه ارتباطی متنوع و گسترده می‌تواند منبع قابل توجهی برای افزایش مدارای اجتماعی باشد (گلابی و رضایی، ۱۳۹۲: ۷۶). دوریز، سوئنز و بیرز^۳ نسبت میان ویژگی شخصیتی و مدارا با دیگران را تأیید کردند (۲۰۰۴: ۹۶). مک‌کری و کاستا^۴ معتقدند ویژگی‌های شخصیتی بازبودن، توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی می‌توانند نقش مثبت و اثرگذاری بر تجارب و تعاملات فرد خصوصاً مدارا ایفا کنند (۱۹۹۹: ۱۴۲). بر اساس نظریه‌های مختلف صاحب‌نظران می‌توان نتیجه گرفت که افزایش مشارکت اجتماعی، انسجام و پیوند اجتماعی و اعتماد اجتماعی (به ویژه اعتماد مدنی)، که از آن‌ها می‌توان تحت عنوان سرمایه اجتماعی نام برد، تأثیر بسزایی در میزان مدارای اجتماعی و ارتقای آن دارد.

هرچند پژوهش‌های متعددی در زمینه مدارا در ابعاد مذهبی، قومی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در ایران صورت گرفته‌اند، اما با بررسی و مطالعه پژوهش‌های پیشین می‌توان دریافت که ابهامات و عدم توافق گسترده‌ای حول ابعاد مفهومی و نیز سطح سیاسی، مذهبی و اخلاقی مدارا وجود دارد و ابهام معنایی مدارا در نهایت به سردرگمی عملی و عدم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب در قبال آن انجامیده است. بر همین اساس، مروری بر سیاست‌ها و اقدامات انجام‌شده از دوران پهلوی و نگاهی تحلیلی بر محورهای اصلی برنامه‌های اول تا ششم توسعه بعد از انقلاب حاکی از فقدان جایگاه مدارا در امر توسعه کشور و بی‌توجهی به این مقوله بسیار مهم است.

در ایران، از دوران پهلوی و متعاقب آن پس از انقلاب اسلامی، سیاست‌های مختلفی

1. Dennis Yeates
2. Ikeda & Richi
3. Duriez, Soenens & Beyers
4. McCrae & Costa

در جهت ارتقای مدارای اجتماعی و رفع تنش‌ها و تعارضات فرهنگی، قومی و مذهبی اتخاذ شدند. ازجمله این سیاست‌ها پیاده‌سازی اقداماتی در جهت یکسان‌سازی فرهنگی در سطح کشور بود. شیوه برخورد خشونت‌آمیز؛ ایجاد پیوندهای سببی و مصلحتی؛ تطمیع و بخشودگی مالیاتی؛ اسکان اجباری عشایر و تخته‌قاچو کردن ایلات و طوایف؛ تغییر شیوه معاش؛ توسعه راه‌ها و ایجاد شبکه راه‌سازی برای حفظ ثبات و امنیت و دسترسی سریع و ایجاد ارتباطات اجتماعی و اختلاط امتزاج اجتماعات؛ سیاست‌های قومی زبانی؛ تمرکزگرایی شدید؛ تعریف جامعه چندفرهنگی به مثابه تهدید؛ تأکید بر امنیت فیزیکی به جای امنیت روانی؛ حذف ناهمسانی و تلاش برای همگنی در ابعاد مختلفی چون زبان، لباس، آداب و رسوم و به‌طورکلی همه مؤلفه‌های فرهنگی؛ وابسته‌کردن و ادغام نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیرامون و پراکنده قومی با نظام مرکز و تلاش جهت نوسازی؛ تأسیس مراکز نظامی و مراکز جدید فرهنگی همچون سازمان پرورش افکار؛ تشکیل سپاه متحدالشکل و قانون نظام اجباری و اعزام جوانان به سربازی؛ تأسیس مدارس نوین و حذف زبان‌های محلی در مدارس و آموزش زبان فارسی در اقصا نقاط ایران؛ بردن مظاهر جدید تمدنی مانند روزنامه، سینما و تئاتر به میان اقوام، طوایف و عشایر و وادار کردن فرزندان و بزرگان آن‌ها به تحصیل و اعزام برخی از آن‌ها به تهران جهت ادامه تحصیل ازجمله اقدامات پهلوی با اقوام، نژادها و طوایف بود که همه از تغییری اساسی در ساختار زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایران حکایت داشت. این تغییر در جهت جایگزین کردن نظام نوین فرهنگی و اجتماعی به جای نظام محلی و سنتی صورت گرفت.

در دوره محمدرضا شاه پهلوی نیز، رشد فرهنگ شهری، رشد مهاجرت عشایر و روستانشینان به شهر، و اقتصاد وابسته منطقه‌ای، تأسیس سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران و رشد و توسعه دانشگاه‌ها و عمومی شدن آن در قالب کنکور در مسیر یکسان‌سازی و تعامل هرچه بیشتر فرهنگی و اجتماعی انجام پذیرفت (بهرامی، ۱۳۸۷: ۸۸). تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های پهلوی اول و دوم، به‌ویژه در زمینه ملی‌گرایی، تأثیرات دیرپایی بر شئون مختلف سیاسی اجتماعی ایران معاصر گذاشت. با وجود این، پروسه و برنامه ملت‌سازی را می‌توان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین سیاست دودمان پهلوی تلقی کرد. این روند پس از انقلاب اسلامی شکلی وسیع‌تر و گسترده‌تر و متنوع‌تر به خود گرفت. انقلاب اسلامی حاوی دو تحول بنیادی بود؛ سقوط پهلوی و ایجاد فرصت برای نیروهای گریز از مرکز. در اثر وقوع انقلاب، ساختار سیاسی پیشین در دو بُعد نهادی (سیستم نظامی، اداری و آموزشی) و فکری (اندیشه سیاسی) فروپاشید. پروژه ملت‌سازی بر اساس منظومه

ایدئولوژیکی، که در آن مفاهیم دینی در اولویت قرار گرفتند، و مفاهیم ناسیونالیستی، که در دوره پهلوی در اولویت بودند، به آخر رانده شدند.

اگرچه در قانون اساسی مصوب ۲۴ آبان ۱۳۵۸ مستقیماً به مدارا اشاره نشده، اما برخی از مفاهیم هم‌پیوند با آن مطرح شده است. برای نمونه، در مقدمه قانون اساسی به مشارکت فعال و گسترده همه عناصر اجتماع در روند تحول جامعه اشاره شده است و زمینه چنین مشارکتی را در همه مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌کند. در اصل ۳ قانون اساسی، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش «بند ۸» و همچنین توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم «بند ۱۵» مورد تأکید قرار گرفته است که از مصادیق و الزام‌های اتحاد ملی به شمار می‌آیند. باین همه، اگرچه بندهای ۲۶ الی ۳۸ قانون اساسی متضمن برخی اصول مدارا و تساهل و تسامح بر پایه حقوق شهروندی و سایر حقوق مدنی و اساسی هستند، اما همه آن‌ها حدود و ثغور مختص به خود را دارند. از این رو، نبود تعریف روشن، شفاف و علنی مدارا و اصول آن؛ دایره شمول و عدم شمول آن؛ عدم تصریح واضح و آشکار «مدارا» ذیل حقوق مدنی، حقوق اساسی و سایر اصول مربوطه در قانون اساسی؛ کلی‌نگری و عدم ارائه مصادیق کافی و لازم درباره مدارا و رواداری؛ مقی کردن حقوق و آزادی‌ها به قیدوبندهایی چون قرارگرفتن در چارچوب اصول کلی و مصالح عمومی و ملی؛ و نبود ضمانت‌های اجرایی مستحکم از جمله نقصان‌ها و آسیب‌هایی هستند که فراروی مدارا در قانون اساسی و متعاقب آن در رفتار مردم جامعه وجود دارند (جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

همه برنامه‌های توسعه‌ای که بعد از انقلاب تدوین شدند در ادامه مسیر ایدئولوژیک ملت‌سازی بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، همچنان تأکید بر ایدئولوژی انقلابی در کنار تمرکزگرایی و تأکید بر مؤلفه‌های مذهب شیعه و در نهایت همسانی و همسان‌سازی در جامعه است. در هیچ‌جا، به تمرکززدایی، تکثرگرایی، مدارا، تساهل، رواداری و مانند این‌ها اشاره نشده است و اساساً تمرکز این برنامه‌ها بیش از هر چیز بر رفع فقر و برقراری عدالت بوده است. در همه برنامه‌های توسعه تدوین شده بعد از انقلاب از برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) تا برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰) نقطه تمرکز آن بر عدالت و توسعه اقتصادی بوده است و در مورد مسائلی همچون مدارا و شمول آن و همچنین حقوق اقوام و اقلیت‌ها سخنی به میان نیامده است. به علاوه، این مسئله در مورد سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هم صادق است و دقیقاً بر مبنای همان پارادایم و دیدگاهی به نگارش درآمده که برنامه‌های توسعه نیز براساس آن تدوین شده‌اند. از این رو، سند چشم‌انداز نیز همان کاستی‌ها را دارد و ایران

به مثابه يك كليت مطرح می‌شود نه جامعه‌ای چندفرهنگی و چندقومی که حقوق و آزادی‌های اساسی و قانونی دارد. در هیچ‌کدام از برنامه‌های توسعه و حتی آمایش سرزمین به این موضوع توجه نشده است. در حقیقت، مدارا و توسعه پایدار لازم و ملزوم یکدیگرند. زمانی که افراد در شرایط دشوار و بی‌ثبات اقتصادی به سر می‌برند، هیچ‌گاه امکان مدارا نمی‌یابند. نیازمندی به ایجاد نوعی نیروی مقاوم می‌انجامد که عمدتاً عدم مدارا و طرد دیگران را برمی‌انگیزد؛ زیرا گروه انسانی که با نیازهای معیشتی خود دست به‌گریبان است مدارای محدودی دارد. هیچ جامعه‌ای بدون توسعه اقتصادی اقبالی برای اجرای مدارا نخواهد داشت (جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۵: ۱۶۱). از سوی دیگر، مدارای یکی از بنیان‌های توسعه پایدار است؛ چراکه در فضای مدارا، نقادی و مسئولیت رشد می‌کند و همه روابط کلامی و ارتباطی را تغییر می‌دهد. روح تعاون، کار جمعی، وحدت، مسئولیت اجتماعی و امکان گفت‌وگو میان افراد گروه و جامعه فراهم می‌شود و امکان تحول و دگرگونی را با توجه به الزام‌ها و نیازهای جامعه در خود می‌پروانند و همه افراد جامعه را برای کسب تجربه تازه و گسترش نوآوری و مشارکت اجتماعی آماده می‌کند. فضای جامعه را عقلانی و قابل اعتماد جلوه می‌دهد و باعث امنیت اجتماعی و فردی و روابط معنادار در جامعه می‌شود (میری، ۱۳۸۷: ۲۷۳). مدارا گمشده‌ای است که سال‌ها جای خود را در گفتمان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور به‌خسونت داده و متعاقب آن التهابات بسیاری را جامعه به خود دیده است.

پس از انقلاب، وقایعی چون شورش‌ها و تجزیه‌طلبی‌ها در برخی نقاط کشور، جنگ تحمیلی با تهاجم عراق به منطقه خوزستان در سال ۱۳۵۹ با شعار امت عربی و تبلیغات تفرقه‌افکنانه قومی (که فضایی مناسب برای به‌هم‌پیوستگی اقوام، طوایف، نژادها، مذاهب و زبان‌های مختلف در جهت همدلی، انسجام و مشارکت اجتماعی بود)، سیاست‌گذاری‌ها در جهت توسعه دانشگاه‌ها و پذیرش دانشجویان از سراسر کشور در قالب کنکور و متعاقب آن ازدواج‌های دانشجویی بین‌فرهنگی، توسعه شبکه‌های تلویزیونی و ساخت برنامه‌های متعدد فرهنگی، ایجاد شبکه‌های استانی، چاپ کتاب‌ها و نشر روزنامه‌های بی‌شمار، ساخت فیلم‌ها و سریال‌های متنوع، توسعه راه‌ها و امکانات شهری، ارتقای زیرساخت‌ها و گسترش امکانات به دورترین نقاط کشور و توسعه گردشگری و امکانات حمل‌ونقل جاده‌ای و هوایی، بهره‌مندی روستاها از مدارس و برق‌رسانی سراسری، مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی اجتماعی، و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و شبکه‌های مجازی و اینترنتی در میزان شناخت و درک هرچه بیشتر افراد جامعه از تفاوت‌های نژادی، مذهبی، قومی و زبانی نقش داشته و در زمینه مدارای اجتماعی مؤثر بوده‌اند. اما باید اذعان کرد که

گسترش و توسعه امکانات سخت افزاری و نرم افزاری به تنهایی برای بهبود وضعیت مدارای اجتماعی در جامعه کافی نیست و با توجه به نتایج بسیاری از پژوهش‌ها در سال‌های اخیر که نشانگر افول سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد و احساس امنیت در کشور است، این امکانات نیز تأثیر عکس داشته و، علاوه بر ایجاد آسیب‌های جدید، باعث کاهش مدارا در سطح جامعه شده‌اند. بر همین اساس، مقوله مدارا باید چندسطحی و چندوجهی نگریسته شود و میزان مدارای سیاسی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی مردم در ابعاد و سطوح مختلف بررسی شود.

۱. راهبرد سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند، با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). چلبی و امیرکافی (۱۳۸۵: ۱۸)، پاتنام (۱۳۸۰: ۱۴۶) و سیگلر و ژوسلین (۲۰۰۲: ۸۴) سرمایه اجتماعی را یکی از عواملی می‌دانند که باعث ارتقای مدارا نسبت به دیگران می‌شود. بدین معنی که افراد، زمانی که در شبکه‌های اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند و تحت تأثیر هنجارهای موجود در این شبکه‌ها با اقوام، مذاهب و اندیشه‌های متفاوت برخورد می‌کنند، نسبت به زمانی که در این‌گونه شبکه‌های اجتماعی شرکت نمی‌کنند (یعنی در مقایسه با زمانی که از سرمایه اجتماعی اندکی برخوردارند)، نگرش مدارا جویانه‌تری نسبت به این‌گونه تفاوت‌ها نشان می‌دهند. در واقع سرمایه اجتماعی سیستم محوری امنیتی‌ای است که از بروز خشونت و کشمکش جلوگیری می‌کند و مدارا را افزایش می‌دهد (فاین، ۱۳۸۵: ۲۸۵). بنابراین مسئولان و مدیران کشور می‌توانند با توجه بیشتر به امر سرمایه اجتماعی، که بسیاری از مؤلفه‌ها از جمله اعتماد، احساس امنیت، ارتباطات و پیوندهای شبکه‌ای را با خود دارد، در جهت ارتقای مدارای اجتماعی گامی مؤثر بردارند.

۲. راهبرد سرمایه فرهنگی

بوردیو اصطلاح سرمایه فرهنگی را برای اشاره به اطلاعات یا دانش دربارهٔ باورها، سنت‌های فرهنگی و معیارهای رفتاری خاصی که موفقیت و کامیابی زندگی را ارتقا می‌دهند به کار می‌برد. سرمایه فرهنگی یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد که دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است و در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شود (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۵۰). داشتن سرمایه در تمامی ابعاد به خصوص سرمایه فرهنگی را می‌توان راهی برای تقویت مدارای جوانان و ارتباطات سالم، کاهش نزاع و درگیری،

برقراری آرامش و صلح و امنیت در جامعه در نظر گرفت. در پژوهش‌های سیگلر و ژوسلین (۲۰۰۲: ۱۲۸)، مقتدایی (۱۳۸۹: ۶۷) و شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۸: ۹۴) به طرق مختلف اشاره شد که تحصیلات، محصولات فرهنگی و به‌طور کلی سرمایه فرهنگی رابطه مستقیم، مثبت و معنی‌داری با مدارای اجتماعی دارند. این پژوهش‌ها نشان دادند افرادی که دارای سرمایه فرهنگی بیشتری هستند، برای مثال، تمایل آن‌ها به استفاده و حمایت از محصولات فرهنگی جامعه خود بیشتر است؛ گرایش به تحصیلات و مطالعه و کسب دانش دارند؛ و انتظار می‌رود که روحیه سازش‌پذیری بیشتری از خود در روابط اجتماعی با دیگران نشان دهند. بر این اساس، با برنامه‌ریزی مناسب و توجه هرچه بیشتر به موضوع سرمایه فرهنگی در سطح جامعه، می‌توان در جهت ارتقای مدارای اجتماعی گام برداشت.

پیشینه پژوهش

کینگ مدارا را، بر حسب موضوع، به سه دسته مدارای هویتی، سیاسی و رفتاری تقسیم‌بندی کرده است. مدارای هویتی شامل مدارا نسبت به ادیان دیگر (مدارای دینی)، مدارا نسبت به افراد ملیت‌های دیگر (مدارای ملیتی) و مدارا نسبت به قومیت‌های دیگر (مدارای قومیتی) می‌شود. مدارای سیاسی شناسایی حق‌گردهمایی صاحبان عقاید مخالف و حق اعتراض برای گروه‌هایی است که مورد تأیید فرد نیستند. مدارای رفتاری تساهل نسبت به برخی الگوهای رفتاری است که از نظر فرد نادرست هستند و شامل الگوهای روابط جنسیتی، جرم و مجرمان می‌شود (عسگری و شارع‌پور، ۱۳۸۸). پژوهشگرانی که این نظریه را برای سنجش مدارا به کار برده‌اند مدارای اجتماعی را با ابعاد هویتی، سیاسی و رفتاری سنجیده‌اند. وگت مدارا را گرایشی رفتاری در نظر می‌گیرد که در این معنا رفتار در مقابل نگرش قرار می‌گیرد. وی مدارا را به سه دسته تقسیم‌بندی می‌کند که با یکدیگر هم‌پوشانی دارند: مدارای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی. منظور او از مدارای اجتماعی مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن است؛ چه ویژگی‌هایی که از هنگام تولد همراه افراد هستند، مثل رنگ پوست و جنسیت، و چه آن‌هایی که در طول زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شوند مانند زبان صحبت کردن (Defilippis, ۲۰۰۱: ۷۸۱). بنابراین آن دسته از پژوهش‌هایی که از نظریه وگت برای تبیین مدارا استفاده کرده‌اند عموماً مدارا را مشتمل بر سه بُعد مدارای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی مورد سنجش قرار داده‌اند که برخی از پژوهش‌های داخلی صورت‌گرفته به شرح ذیل‌اند.

نیک‌خواه، ولی‌پور، سرافراز و آهو قلندری (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی عوامل مؤثر بر مدارای اجتماعی» به مطالعه و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل مرتبط با

آن با روش پیمایشی بین افراد ۱۸ سال به بالا در شهر بندرعباس پرداختند. نتایج نشان داد که بین متغیرهای جنسیت، سن، درآمد و تحصیلات با متغیر تحمل اجتماعی رابطه معنی داری وجود ندارد، اما بین وضعیت تأهل و مدارا رابطه معنی داری وجود دارد.

نصراللهی و قادرزاده (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «مدارای اجتماعی در جوامع چندفرهنگی؛ مطالعه پیمایشی شهروندان میاندوآب» با الهام از سنخ‌شناسی مدارای اجتماعی پیترسون کینگ به بررسی وضعیت مدارای اجتماعی در بین شهروندان ۱۵ تا ۵۰ ساله شهر میاندوآب می‌پردازند. بر مبنای نتایج تبیینی، اشکال سرمایه (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) با مدارای اجتماعی در ابعاد چهارگانه آن رابطه مستقیم دارد. همچنین، با شدت یافتن جهت‌گیری قومی و دینی پاسخ‌گویان، مدارای اجتماعی کاهش می‌یابد.

جهانگیری و افراسیابی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارای سیاسی دانشجویان» به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مدارای سیاسی دانشجویان پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد بین متغیرهای مشارکت اجتماعی، تعامل اجتماعی، تعهد اجتماعی، آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، فرایض مذهبی، سن و مقطع تحصیلی با مدارای سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی، تعامل اجتماعی، محل تولد، اعتماد اجتماعی و جنسیت در مجموع ۲۴ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کردند. مقتدایی (۱۳۸۹)، با بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مدارای اجتماعی، نشان داد جزم‌اندیشی رابطه معکوسی با مدارای اجتماعی دارد؛ در صورتی که ابراز وجود، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت و تحصیلات رابطه مثبت و معنی داری با مدارا دارند.

شهریاری، خلیلی و اکبری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «سنجش رابطه سرمایه اجتماعی با مدارای مذهبی» به بررسی و سنجش تساهل مذهبی و عوامل مؤثر بر آن از جمله سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان فردوسی مشهد با روش پیمایشی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بر مدارای مذهبی تأثیر منفی، و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی تأثیر مثبت بر آن دارد. همچنین تحصیلات و جنسیت تأثیر مثبت، و سن تأثیر منفی بر مدارای مذهبی داشته است.

فیروزجائیان، شارع‌پور و فرزام (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی» به پژوهش و پیمایش بین جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال در شهر ساری پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مدارای اجتماعی رابطه و تأثیر معناداری وجود دارد. همچنین سازه سرمایه فرهنگی توانست ۳۱ درصد تغییرات سازه مدارای اجتماعی را تبیین کند.

پژوهش‌های مرتبط با مدارا در خارج از کشور عمدتاً به دنبال شناسایی عوامل مرتبط با مدارا از قبیل تمایلات شخصی یا انتظارات فردی در سطح خرد هستند (Sullivan & Transue, ۱۹۹۹: ۶۲۵). همچنین اکثر پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده‌اند، به جای بررسی کنش‌های واقعی مرتبط با مدارا، بیشتر به دنبال اصول انتزاعی مدارا بوده‌اند. ویتنبرگ و برتروس^۱ (۲۰۱۸: ۲۲۰) در پژوهش خود به بررسی برجسته‌ترین شاخص‌های مدارا نسبت به تفاوت‌ها پرداختند. ابعاد مدارا در این پژوهش شامل مدارای عقیدتی، مدارای گفت‌وگو، و مدارای عملی بود. گیلینگ، سایس و وروکت^۲ (۲۰۱۸: ۲۵۹) با استفاده از نظریه حوزه اجتماعی شناختی و نظریه هویت اجتماعی، مدارای اجتماعی نسبت به مسلمانان را بررسی کردند. به نظر می‌رسد در پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده‌اند، مدارای اجتماعی به‌عنوان یک خصیصه و ویژگی دیده شده است؛ در صورتی که بر مبنای نظریه ساخت‌یابی، مدارای اجتماعی وضعیتی است که در بستری مناسب رخ می‌دهد و این بستر خود بخشی از فرایند مداراست و نه از عوامل مؤثر بر آن؛ وضعیتی که محصول همسازی ساختار و عاملیت است. چنانچه ریتزر^۳ (۱۳۹۲: ۳۰۲) نیز بیان می‌کند، عملکردهای اجتماعی به‌طور ذهنی به دست کنشگر یا شرایط اجتماعی ساختاری که کنشگر در آن قرار دارد خلق نمی‌شوند، بلکه عملکردها و ساختار را هم‌زمان کنشگر خلق می‌کند.

یارم، اگر و بوهمان^۴ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «رویکردی جدید برای مطالعه مدارا: مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری مدارا» به بررسی تفاوت مفهومی مدارا و تعصب پرداخته‌اند و مدارا را با سه پارامتر پذیرش دیگران، احترام به دیگران و درک تفاوت‌ها مفهوم‌سازی کردند و با دو نظرسنجی ابتدا در یک کشور واحد (سوئد) و سپس در پنج کشور (استرالیا، دانمارک، سوئد، انگلستان و ایالات متحده) ارزیابی کردند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی در این پژوهش نشان داد که پاسخ‌دهندگان در سراسر کشورها مدارا را یکسان درک می‌کنند.

شاهید و شاهید^۴ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «نقش مدارای اجتماعی در همدلی و رضایت زوجین» به بررسی رابطه بین مدارای اجتماعی و همدلی و رضایت زوجین از طریق توزیع پرسش‌نامه بین ۲۰۰ زوج از ایالت خیبر پختونخوا پاکستان پرداختند. نتایج

1. Witenburg & Burtrus
2. Gieling, Thijs & Verkuyten
3. Ritzer
4. Hjern, Eger & Bohman
4. Shahid & Shahid

پژوهش نشان داد که بین مدارای اجتماعی و همدلی و رضایت زوجین هم‌بستگی مثبت و معنادار، و بین میزان مدارای اجتماعی در مردان و زنان تفاوت معناداری وجود دارد و مدارای اجتماعی در زنان بیشتر از مردان است.

سینتانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ مدارا در خانواده‌های تازه‌مسلمان در مالزی» به دنبال برجسته‌کردن مدارا در جامعه کثرت‌گرای مالزی بودند. نتایج نشان داد زندگی در محیطی که چنددینی امری عادی تلقی شده و همچنین توسعه مذهبی و مدارای فرهنگی که در بین خانواده‌های آن منطقه وجود دارد باعث رشد بهتر درک متقابل احترام و مدارا به مسلمان جدید می‌شود و در نهایت به پاسخ حمایتی از جانب خانواده‌ای که به تازگی سبک زندگی جدید را به‌عنوان مسلمان پذیرفته منجر می‌شود. در مجموع، مدارای فرهنگی از طریق ارتباطات و رویارویی با جوامع دینی متفاوت جانشین اصول اخلاقی قبلی مالزی شد.

وایزو و دریسکل^۲ (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مدارا و ابعاد آن شامل مدارای هویتی، مدارای مذهبی و مدارای رفتاری در آمریکا پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد افراد با میزان مشارکت مدنی و تعامل اجتماعی زیاد از مدارای اجتماعی زیادی برخوردارند.

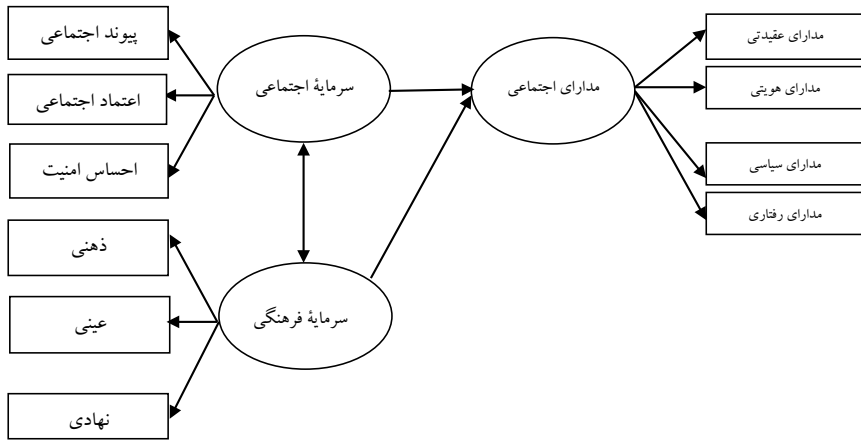
مبانی نظری پژوهش

اگر مدارای اجتماعی را نوعی کنش از طرف کنشگران تلقی کنیم که تعاملات و ارتباطات اجتماعی را تسهیل می‌کند و گرایش به رفتار مسالمت‌آمیز را به‌عنوان منش تأیید شده به همراه دارد، با توجه به تعاریف و دیدگاه‌ها و شاخص‌های مطرح شده در زمینه مدارای اجتماعی، می‌توان نقش هم‌بستگی اجتماعی، فرهنگی، همدلی، پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، احساس امنیت و بردباری اجتماعی را در ارتقا و تحکیم آن اساسی دانست. وجود شاخصه‌های ذکر شده و تجمیع ویژگی‌ها و عناصر مشترک آن‌ها ما را به سمت واژه‌های «سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی» سوق می‌دهد. برای تحلیل و نشان دادن میزان تأثیر و رابطه میان سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی می‌توان نظریه عمل بوردیو را به کار بست. «بورديو برای تحلیل و تبیین کنش‌های اجتماعی از مفاهیمی همچون منش^۳ و میدان^۴ بهره

1. Sintang et al.
2. Wise & Driskell
3. nature
4. field

می برد. نظریه عمل بوردیو در پرتو دیالکتیک دو مفهوم منش و میدان بنا شده است» (Parker, 2000: 44). بوردیو منش را به منزله نظامی از طبایع تعریف می کند. مجموعه ای از خلق و خواهی های فراهم آمده در شخصیت کنشگر که ناشی از فرایند اجتماعی شدن است و به نحوه مواجهه کنشگر با موقعیت های مختلف جهت می دهد (Bourdieu & Passeron, 1996: 107). بر این اساس می توان گفت رفتار افراد جامعه (منش) در موقعیت های مختلف اجتماعی (میدان) با نحوه جامعه پذیری و ساختارهای اجتماعی در ارتباط است. اگر فرد در فرایند جامعه پذیری گذشت، فداکاری، پذیرش فرهنگ و افکار مخالف، صبر و همدلی را در مواجهه با دیگران به خوبی نیاموزد و ساختارهای اجتماعی به ویژه آموزش و پرورش، دانشگاه، فرهنگ و ارشاد برای رفتار مدارا جویانه ارزشی قائل نباشند، منش شکل گرفته در افراد آمیزه ای از کم تحملی، نابدباری، خودمحوری، خشونت و درگیری، و بی اعتمادی خواهد بود.

در نظریه بوردیو، مفهوم میدان قائم به قواعدی است که بر آن حاکمیت دارند و قلمرو آن را تعیین می کنند. از این جهت همه کنشگرانی که ذیل میدان اجتماعی خاصی فعالیت می کنند دست کم از نوعی منش مشترک برخوردارند (جمشیدیها و پرستش، ۱۳۸۶: ۵۲). برای مثال، اگر شرایط جامعه به گونه ای باشد که پرخاشگری، نزاع و عدم مدارا به عنوان راهی مناسب برای رسیدن به اهداف و مدارا پارامتری منفی و نشانه ضعف قلمداد شود، آن گاه در چنین میدانی مجموعه ای از خلق و خواهی (منش) را کنشگران بروز می دهند که در هر موقعیتی باید منتظر نزاع، درگیری، عدم مدارا و پرخاشگری باشیم. «از نظر بوردیو، میدان عرصه ای است اجتماعی برای نزاع بر سر منابع منافع و دسترسی به آن ها» (Whitham, 2007: 69). بوردیو کنش اجتماعی را با توجه به موقعیت منش در میدان تبیین می کند. موقعیت کنشگران وابسته به سرمایه آن هاست و بنابر مقدار و نوع سرمایه ای که دارند جایگاهشان در فضای میدان مشخص می شود (۲۰۰۲: ۷۳). به عقیده بوردیو، در هر میدانی میان بازیگران یا گروه های اجتماعی، چهار نوع سرمایه (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نمادین) ردوبدل می شود (Defilippis, 2001: 783). بر این اساس، از سرمایه اجتماعی (که طیفی وسیع از مؤلفه های اثرگذار بر کنش و کنشگران را شامل می شود) و سرمایه فرهنگی به عنوان متغیر مستقل در مورد مدارای اجتماعی و از نظریه عمل (یا منش و میدان) بوردیو برای تحلیل رابطه میان سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی استفاده شد.



شکل ۱. مدل نظری رابطه میان سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی با مدارای اجتماعی

فرضیه‌ها

۱. میزان مدارای اجتماعی بر حسب گروه سنی، جنسیت و وضعیت تأهل متفاوت است.
۲. بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (پیوند اجتماعی، اعتماد اجتماعی و احساس امنیت) و مدارای اجتماعی رابطه وجود دارد.
۳. بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن (سرمایه فرهنگی ذهنی، عینی و نهادی) و مدارای اجتماعی رابطه وجود دارد.
۴. سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی بر میزان مدارای اجتماعی در استان مازندران تأثیرگذارند.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

۱. مدارای اجتماعی: مدارای اجتماعی را می‌توان «توجه به دیگران، ارزشمندشمردن تفاوت‌ها، پل زدن بر شکاف‌های فرهنگی، پذیرفتن اندیشه‌های قالبی غیرمنصفانه، کشف زمینه‌های مشترک، ارج نهادن به تنوع و توانایی زندگی، اجازه دادن به دیگران برای زندگی، توانایی اعمال نگرشی عینی و منصفانه بر عقاید، اعمال، مذهب، ملیت و همهٔ موارد متفاوت از دیدگاه فرد تعریف کرد» (Lyness, 2006:2). برای سنجش مدارای اجتماعی در این پژوهش از ترکیب مدل کینگ^۱ و وگت^۲ با چهار مؤلفهٔ مدارای عقیدتی، مدارای هوبیتی، مدارای سیاسی و مدارای رفتاری استفاده شد.

1. King

2. Vogt

- ۱٫۱. **مدارای عقیدتی**^۱: مدارا نسبت به وجود یا بیان و یا تبلیغ عقایدی مخالف با عقاید عامل تساهل، مثل باور به دگراندیشی، نسبی‌گرایی فرهنگی عدم تعصب، باور به آزادی عقیده دیگران.
- ۲٫۱. **مدارای سیاسی**^۲: منظور از مدارای سیاسی مدارا نسبت به اعمال افراد در فضای عمومی یا احترام به آزادی‌های مدنی دیگران است (Witenberg & Butrus, 2018: 220).
- مدارای سیاسی شناسایی حق گردهمایی صاحبان عقاید مختلف و ایجاد نهادهای حل و فصل تضادها و حق اعتراض در قالب نشریات یا راه‌پیمایی‌ها را می‌پذیرد.
- ۳٫۱. **مدارای هویتی**^۳: اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌های غیراختیاری دیگران مانند ملیت، جنسیت، نژاد، طایفه، زبان، دین و... را مدارای هویتی می‌نامند.
- ۴٫۱. **مدارای رفتاری**^۴: مدارا نسبت به رفتارهای مختلف دیگران (قانونی، غیرقانونی) مانند روابط جنسی، رفتار با مجرمان و تساهل نسبت به بعضی از جرم‌ها در جامعه.

جدول ۱. تعریف عملیاتی مؤلفه‌های مدارای اجتماعی

نام متغیر	شاخص	تعریف عملیاتی	تعداد گویه
مدارای اجتماعی	مدارای عقیدتی	تحمل عقاید مخالف، عدم تعصب، باور به آزادی دیگران، باور به دگراندیشی	۵
	مدارای هویتی	مدارا با افراد دارای ملیت، جنسیت، نژاد، طایفه، زبان و دین مختلف	۴
	مدارای سیاسی	حق دادن برای گردهمایی مخالفان، حق اعتراض در قالب روزنامه‌ها و راه‌پیمایی‌ها	۴
	مدارای رفتاری	مدارا نسبت به رفتارهای مختلف قانونی و غیرقانونی دیگران، تساهل نسبت به مجرمان، روابط جنس مخالف	۹

۲. سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند، با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند. سرمایه اجتماعی مانند سایر سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخص را فراهم می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). برای سنجش سرمایه اجتماعی پس از مطالعه و بررسی دیدگاه‌های مختلف و کسب نتیجه‌ای مطلوب از ترکیب دیدگاه بورديو و پاتنام استفاده شد. بدین منظور، سه مؤلفه اعتماد اجتماعی، احساس امنیت و پیوند اجتماعی برای سنجش سرمایه اجتماعی به کار گرفته شدند.

1. dimensions of tolerance
2. dimensions of political
3. dimensions of identity
4. dimensions of behavioral

- ۱,۲. **پیوند اجتماعی:** به هم‌بستگی افراد با هنجارهای اجتماعی اطلاق می‌شود که از ترکیب مؤلفه‌های وابستگی، اعتقاد، تعهد و مشارکت به وجود می‌آید (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۶: ۳۶). پیوندهای اجتماعی ارائه اطلاعات به شهروندان را به لحاظ کمی و کیفی افزایش می‌دهند و سبب می‌شوند نگرش افراد به بیرون گروه تغییر یابد (Robinson, 2010: 495).
- ۲,۲. **اعتماد اجتماعی:** عبارت است از تمایل فرد به قبول ریسک در موقعیت اجتماعی که این تمایل بر حس اطمینان به این نکته مبتنی است که دیگران به گونه‌ای که انتظار می‌رود عمل خواهند کرد و شیوه‌ای حمایت‌کننده در پیش خواهند گرفت. اعتماد به معنی مطمئن بودن درباره کنش‌های احتمالی دیگران در آینده است (Halpern, 2003: 90).
- ۳,۲. **احساس امنیت:** عبارت است از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) (امیرکافی، ۱۳۸۷: ۲). به اعتقاد بوزان^۱، اکثر تهدیدهایی که متوجه افراد است ناشی از این حقیقت است که افراد در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط موجد انواع فشارهای اجتناب‌ناپذیر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (۱۳۷۸: ۴۵).

جدول ۲. تعریف عملیاتی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

نام متغیر	شاخص	ابعاد عملیاتی	تعداد گویه‌ها
سرمایه اجتماعی	احساس امنیت	واهمه نداشتن از حضور در عرصه‌های اجتماعی، مشارکت با فراغ بال در جامعه، واهمه نداشتن از آینده	۴
	اعتماد اجتماعی	صداقت در رفتار و گفتار، اعتماد در معاملات، اعتقاد به عدالت در امور، تعامل با انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی	۴
	پیوند اجتماعی	ارتباط با دوستان، آشنایان، نهادها و ادارات	۴

۳. **سرمایه فرهنگی:** بورديو اصطلاح سرمایه فرهنگی را برای اشاره به اطلاعات یا دانش درباره باورها، سنت‌های فرهنگی و معیارهای رفتاری خاصی که موفقیت و کامیابی زندگی را ارتقا می‌دهند به کار می‌برد (سعیدسلطانی، علیزاده اقدم و کوهی، ۱۳۹۱: ۱۸۰). برای سنجش سرمایه فرهنگی بر اساس دیدگاه بورديو این سرمایه به سه بخش سرمایه فرهنگی ذهنی، عینی و نهادی تقسیم‌بندی شد.

۱,۳. **سرمایه فرهنگی ذهنی:**^۲ این سرمایه به واسطه تلاش، تجربه و استعداد فرد حاصل می‌شود و با مرگ دارنده آن از بین می‌رود و نمی‌توان آن را به دیگری انتقال داد. به بیان دیگر، سرمایه فرهنگی در شکل تجسم‌یافته‌اش صورتی از قابلیت یا توانایی را به خود می‌گیرد که

نمی‌توان آن را از حاملش جدا کرد. در واقع کسب سرمایه فرهنگی تجسم یافته نیازمند صرف وقت برای آموختن و یا آموزش دادن است (محمدی، وداده‌پور و محمدی، ۱۳۹۱: ۹).

۲,۳. سرمایه فرهنگی عینی^۱: یکی از بدیهی‌ترین و عینی‌ترین اشکال سرمایه فرهنگی مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است که خود می‌تواند تابعی از متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی قرار بگیرد. سرمایه فرهنگی عینیت یافته در اشیای مادی و رسانه‌ها نظیر نوشتار، نقاشی و ابزار و نظایر آن و به‌طور کلی در مادیت آن انتقال پذیر است؛ لذا کالاهای فرهنگی را می‌توان هم به صورت مادی (که به سرمایه اقتصادی منجر می‌شود) و هم به صورت نمادی (که به سرمایه فرهنگی منجر می‌شود) تخصیص داد (سعیدسلطانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۹).

۳,۳. سرمایه فرهنگی نهادی^۲: لازمه سرمایه فرهنگی نهادی، قبل از هر چیز، وجود افراد باصلاحیت و مستعد برای کسب انواع مدارک تحصیلی و دانشگاهی است. از طرف دیگر، مستلزم وجود نهادهای رسمی، که این مدارک تحصیلی را صادر کنند و به آن‌ها رسمیت بخشند، است (محمدی، وداده‌پور و محمدی، ۱۳۹۱: ۹).

جدول ۳. تعریف عملیاتی مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی

نام متغیر	شاخص	ابعاد عملیاتی	تعداد گویه‌ها
سرمایه فرهنگی	بعد ذهنی	تمایل به فعالیت در امور هنری و رخدادهای فرهنگی؛ علاقه‌مندی به فعالیت‌های هنری مثل موسیقی، خطاطی، نقاشی، ورزش، بازدید از نمایشگاه، حضور در کلاس زبان و تسلط به زبان‌های خارجی	۴
	بعد عینی	برخورداری از وسایل و امکانات مثل کتابخانه شخصی، کامپیوتر، ادوات موسیقی، اینترنت، تجهیزات ورزشی، دوربین عکاسی و فیلم‌برداری؛ خلق آثار فرهنگی مثل هنرهای دستی، نمایشی، شعر، موسیقی، تألیفات؛ دسترسی به کالاهای فرهنگی	۴
	بعد نهادی	داشتن گواهی‌نامه‌های معتبر آموزشی و فرهنگی، مدارک تحصیلی، اسناد فرهنگی و هنری ثبت شده؛ داشتن کارت‌های عضویت نهادهای فرهنگی و هنری	۴

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش کمی و از نوع پیمایشی^۳ و ابزار گردآوری داده‌ها مطالعات

1. objectified capital

2. presuppositions capital

3. survey

اسنادی و کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه است. جامعه آماری پژوهش پیش رو تمام افراد جوان و میان سال (۴۴.۱۵ سال) ساکن استان مازندران است که طبق آخرین سرشماری ۴,۵۳۸,۸۱۷ نفرند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران^۱ برابر با ۳۸۴ نفر است که برای دقت بیشتر و داده‌های ازدست‌رفته به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری احتمالی است. از میان انواع نمونه‌گیری احتمالی، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. با استفاده از این روش، پس از تعیین حجم نمونه، استان مازندران به ۳ منطقه شرق، مرکز و غرب تقسیم‌بندی شد و سه شهر ساری، آمل و تنکابن از هر منطقه برگزیده شدند و در نهایت، به تناسب جمعیت هر شهر و رده سنی، نمونه مورد مطالعه براساس میزان تقریبی جمعیت هر خوشه انتخاب شد. با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و مفاهیم و متغیرهای آن، داده‌های موردنیاز پژوهش از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته جمع‌آوری شدند. برای اطمینان از پایایی نتایج، از روش آلفای کرونباخ^۲ استفاده شد. برای این منظور، با استفاده از اطلاعاتی که از ۳۰ نمونه جمع‌آوری شد، پایایی پرسش‌نامه بررسی شد و برای هرکدام از شاخص‌ها که به صورت طیف طراحی شده بودند ضریب آلفا محاسبه شد که شاخص‌ها دارای پایایی زیاد (همه شاخص‌ها بالای ۰/۷) و موردقبولی بودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزار اسپس^۳ و ایموس^۴ استفاده شد، به طوری که برای توصیف داده‌ها از آماره‌های توصیفی (شاخص‌های تمایل به مرکز مانند میانگین و توزیع‌های فراوانی مطلق و انحراف معیار) و برای تحلیل استنباطی از آزمون تفاوت میانگین (تی‌تست)، آزمون هم‌بستگی و رگرسیون، و به منظور آزمون مدل نظری از نرم‌افزار مدل‌سازی معادله ساختاری Amos استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات این پژوهش از بین ۴۰۰ نفر در دو گروه سنی جوان و میان سال (۱۵-۴۴ سال) استان مازندران جمع‌آوری شده است. اشتراک سنی پاسخ‌گویان (نما) در سن ۳۳ سال از همه بیشتر بود. گروه سنی جوانان تعداد ۱۸۸ نفر (۴۷٪) و میان سالان ۲۱۲ نفر (۵۳٪) را تشکیل می‌دهند. همچنین ۱۹۶ نفر از پاسخ‌گویان زن و ۲۰۴ نفر مرد هستند. بیشترین پاسخ‌گویان مربوط به سطح تحصیلات دیپلم و پایین‌تر با تعداد ۱۶۹ نفر (۴۲/۲۵٪) و کمترین پاسخ‌گویان

1. Cochran
2. Cronbach Alpha
3. Spss
4. Amos

مربوط به سطح تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر با تعداد ۶۸ نفر (۱۷٪) هستند. تعداد پاسخ‌گویان با سطح تحصیلات کاردانی و کارشناسی نیز ۱۶۳ نفر (۴۰/۷۵٪) است. بعد از آماده‌سازی اطلاعات، روابط بین متغیرهای وابسته و مستقل از طریق دو نرم‌افزار spss و Amos بررسی شد. فرضیه‌های پژوهش از طریق آماره‌های مقایسه میانگین‌ها (آزمون تی)، تحلیل واریانس و پیرسون مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج فرضیه اول (جدول ۴) نشان داد که بین جنسیت (تی: ۱/۸۱۵- و سطح معناداری: ۰/۰۷۲)، سن (تی: ۰/۳۶۱ و سطح معناداری: ۰/۷۱۸) و وضعیت تأهل (تی: ۰/۹۳۴ و سطح معناداری: ۰/۷۳۵) و میزان مدارای اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، زن یا مرد بودن، جوان یا میان سال بودن و متأهل یا مجرد بودن تفاوت معناداری را در میزان مدارای اجتماعی پاسخ‌گویان به وجود نمی‌آورد.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین‌های مدارای اجتماعی بر حسب جنسیت، سن و تأهل

سطح معناداری	آماره تی	تفاوت میانگین	فراوانی	متغیرها	
۰/۰۷۲	-۱/۸۱۵	۳۸/۶۲	۱۹۶	زن	جنسیت
		۳۹/۵۸	۲۰۴	مرد	
۰/۷۱۸	۰/۳۶۱	۴۱/۳۶	۱۸۸	جوان	گروه سنی
		۴۲/۲۴	۲۱۲	میان سال	
۰/۷۳۵	۰/۹۳۴	۴۱/۸۲	۱۴۵	متأهل	وضعیت تأهل و مدارای اجتماعی
		۳۹/۱۳	۲۵۵	مجرد	

جدول ۵ تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (احساس امنیت، اعتماد اجتماعی و پیوندهای اجتماعی) در تغییر مدارای اجتماعی را نشان می‌دهد. چون میزان سطح معناداری سرمایه اجتماعی و ابعاد آن کمتر از ۰/۰۵ است، رابطه آماری معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و هریک از مؤلفه‌های آن با تغییر مدارای اجتماعی وجود دارد (سرمایه اجتماعی ضریب هم‌بستگی پیرسون: ۰/۶۲ و سطح معناداری: ۰/۰۰۰ و ابعاد سرمایه اجتماعی شامل اعتماد اجتماعی با ضریب هم‌بستگی پیرسون: ۰/۶۴ و سطح معناداری: ۰/۰۰۰، احساس امنیت با ضریب هم‌بستگی پیرسون: ۰/۶۸ و سطح معناداری: ۰/۰۰۰ و پیوند اجتماعی با ضریب هم‌بستگی پیرسون: ۰/۵۸ و سطح معناداری: ۰/۰۰۵). این رابطه با توجه به مقدار و علامت مثبت ضریب هم‌بستگی داده شده در جدول ۵، این رابطه مستقیم، مثبت و قوی است. به عبارت دیگر، با افزایش سرمایه اجتماعی و هریک از ابعاد آن (اعتماد اجتماعی، احساس امنیت و پیوند اجتماعی) میزان مدارای اجتماعی

ارتقا می یابد. این نتایج ثابت می کند که یکی از راهبردهای مؤثر برای ارتقای مدارای اجتماعی توجه به مقوله سرمایه اجتماعی و ابعاد آن است. هرچه در جامعه میزان اعتماد اجتماعی، احساس امنیت و ارتباطات و پیوندهای اجتماعی بیشتر باشد افراد جامعه رفتار مداراجویانه ای از خود نشان خواهند داد.

جدول ۵. تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در تغییر مدارای اجتماعی

مدارای اجتماعی		متغیرها
سطح معناداری	ضریب هم بستگی	
۰/۰۰۰	۰/۶۴	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۶۸	احساس امنیت
۰/۰۰۵	۰/۵۸	پیوند اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۶۲	سرمایه اجتماعی

جدول ۶ رابطه بین سرمایه فرهنگی و مؤلفه های آن را با تغییر مدارای اجتماعی نشان می دهد. چون سطح معناداری متغیرها کمتر از مقدار معین ۰/۰۵ است، رابطه آماری معنی داری بین راهبرد سرمایه فرهنگی و مؤلفه های آن با تغییر مدارای اجتماعی وجود دارد. با توجه به مقدار و علامت مثبت ضریب هم بستگی به دست آمده در جدول ۶ (سرمایه فرهنگی با ضریب هم بستگی پیرسون: ۰/۲۹۶ و سطح معناداری: ۰/۰۰۰، ابعاد سرمایه فرهنگی شامل سرمایه فرهنگی ذهنی با ضریب هم بستگی پیرسون: ۰/۲۴۰ و سطح معناداری: ۰/۰۰۰، سرمایه فرهنگی عینی با ضریب هم بستگی پیرسون: ۰/۱۹۶ و سطح معناداری: ۰/۰۰۰ و سرمایه فرهنگی نهادی با ضریب هم بستگی پیرسون: ۰/۲۷۲ و سطح معناداری: ۰/۰۰۴)، این رابطه با مدارای اجتماعی مستقیم و مثبت است. به عبارت دیگر، با افزایش سرمایه فرهنگی و هر یک از ابعاد آن (ذهنی، عینی و نهادی)، میزان مدارای اجتماعی ارتقا می یابد.

جدول ۶. تأثیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن در تغییر مدارای اجتماعی

مدارای اجتماعی		متغیرها
سطح معناداری	ضریب هم بستگی	
۰/۰۰۰	۰/۲۴۰	سرمایه فرهنگی ذهنی
۰/۰۰۰	۰/۱۹۶	سرمایه فرهنگی عینی
۰/۰۰۴	۰/۲۷۲	سرمایه فرهنگی نهادی
۰/۰۰۰	۰/۲۹۶	سرمایه فرهنگی

برازش مدل رگرسیون

برای بررسی فرضیه چهارم، یعنی تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در تغییر مدارای اجتماعی، پس از بررسی شاخص‌های کفایت مدل، که در جدول ۷ آمده است، به ارائه مدل برازش یافته می‌پردازیم.

جدول ۷. آماره‌های برازش مدل ساختاری مدارای اجتماعی

ضریب هم‌بستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف معیار خطا	دوربین واتسون
۰/۹۴	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۴	۲/۷۰۵

تحلیل نتایج مدل رگرسیونی جدول ۷ نشان می‌دهد راهبرد سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در تغییر مدارای اجتماعی جامعه آماری پژوهش با ضریب تعیین ۰/۹۱ تأثیرگذار بوده است. براساس داده‌های جدول، نتیجه می‌گیریم مدل از کفایت لازم برخوردار است.

با استفاده از آزمون رگرسیون، میزان تأثیر متغیرهای سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی بر متغیر مدارای اجتماعی به دست آمد که حاکی از تأثیر و سهم ۳۸ درصدی دو مؤلفه سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر مدارای اجتماعی است (جدول ۷).

جدول ۸. خلاصه مدل رگرسیونی تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی بر مدارای اجتماعی

مدل	آر	مجذور آر	تعدیل مربعات آر	خطای برآورد
۱	^a /۳۰۳	/۳۸۵	/۳۸۲	۷/۷۸۰
متغیر مستقل: سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی متغیر وابسته: مدارای اجتماعی				

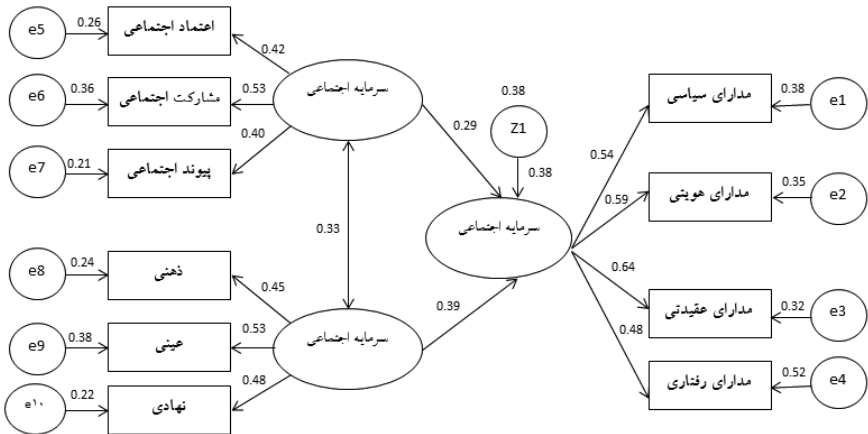
همچنین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی ۲۹ درصد و سرمایه فرهنگی ۳۹ درصد بر روی مدارای اجتماعی تأثیر می‌گذارند (جدول ۸).

جدول ۹. ضرایب رگرسیونی تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی بر مدارای اجتماعی

مدل	سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد	
			ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد
			خطای انحراف	بتا
۱	ثابت	۲۳/۱۱۱	۵۹/۱۲۵	-
	سرمایه فرهنگی	۰/۰۰۰	۰/۳۳۲	۰/۰۶۱
	سرمایه اجتماعی	۰/۰۴۲	۰/۱۶۵	۰/۰۷۰
متغیر وابسته: مدارای اجتماعی				

این نتایج حاکی از نقش اثرگذار دو مؤلفه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی بر ارتقای مدارای اجتماعی است.

شکل ۲. مدل ساختاری سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی



Degrees of freedom=34 chi-square= 32 /46 sig=0 /08 RMSEA=0 /04

مدل نظری پژوهش به کمک نرم افزار ایموس مورد آزمون قرار گرفت. این مدل تأثیر مستقیم مؤلفه اصلی پژوهش، یعنی سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، را بر مدارای اجتماعی نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات شکل ۲، سرمایه اجتماعی ($\beta = 0/29$) و سرمایه فرهنگی ($\beta = 0/39$) تأثیر مستقیم بر مدارای اجتماعی دارند. به بیانی دیگر، تغییر یک انحراف استاندارد در سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی باعث تغییر $0/29$ و $0/39$ انحراف استاندارد در میزان مدارای اجتماعی می‌شود. همچنین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی توانسته‌اند ۳۸ درصد تغییرات مدارای اجتماعی را تحلیل کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

مفهوم مدارا گستره وسیعی از زمینه‌های مختلف نظیر مدارای دینی، قومی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی، جنسیتی، قومی، ملیتی و نژادی را در بر می‌گیرد و از متغیرهای متعددی همچون بافتاری، تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و جامعه‌شناختی اثر می‌پذیرد. با وجود اقبال عمومی و علمی به مفهوم مدارا، به‌ویژه در آغاز قرن بیست و یکم، هنوز این مفهوم از لحاظ مفهومی و سنخ‌شناسی عقب مانده و توسعه نیافته است. این مسئله در ایران به مراتب حادتر است؛ چراکه پژوهش درباره مدارا عمدتاً متوجه ریشه‌های

ادبی دینی شده و معدودی نیز به پژوهش‌های کمی پرداخته‌اند. در نتیجه، تمرکز را از مبانی و ریشه‌های مدارا به ظواهر آن فروکاسته است. از این رو، نه تعریف دقیق، روشن و مورد اجماعی از مدارا وجود دارد، نه دایره مفهومی مدارا به دقت تعیین شده و نه راهکارهای مؤثری متناسب با فضای جامعه ارائه شده است.

نتایج این پژوهش نشان داد که سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی موجب ارتقای مدارای اجتماعی در جامعه می‌شوند. بر این اساس و با توجه به تنوع اقوام، طوایف و مذاهب در ایران و اینکه در حوزه مدیریتی اقوام، عوامل گوناگونی را مانع دست‌یابی به مدارا می‌دانند که شیوع تبعیض و نابرابری یکی از مخرب‌ترین و مهم‌ترین آن‌هاست؛ بنابراین درک احساسات قومی، هویت بخشی و تشخیص بخشی اقوام و احترام به حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی کشور، فرصت‌سازی و تعبیه سازوکارهای مشارکت ملی برای آن‌ها، اجتناب از وحدت مکانیکی اقوام و تمرکز بر وحدت استراتژیک، پرهیز از راهبرد امنیتی نسبت به اقوام و قرارداد راهبرد مذاکره و گفت‌وگو با اقوام به جای آن با هدف تأمین امنیت ملی کشور، آزادسازی نیروی بالقوه ناحیه‌گرایی از طریق توزیع قدرت سیاسی. اداری ملی در تمامی مناطق جغرافیایی کشور در چارچوب الگویی متعادل و متوازن، و بالاخره برقراری عدالت جغرافیایی و توزیع عادلانه نتایج توسعه ملی در بین بخش مرکزی و مناطق پیرامونی تا اندازه بسیاری می‌توانند به ایجاد تفاهم ملی، یکپارچگی، اطمینان اجزای ملت به یکدیگر و گسترش روحیه صمیمیت ملی و مدارای اجتماعی کمک کنند و پایه‌های اقتدار و امنیت ملی کشور را محکم کنند که البته تحقق این امر عزم نخبگان ابزاری (مدیران و مسئولان اجرایی) و فکری (روشن‌فکران، روزنامه‌نگاران، دانشجویان و...) را در دو سطح ملی و منطقه‌ای. محلی می‌طلبد (مطلبی، ۱۳۸۷: ۶۶).

گسست‌های فرهنگی و اجتماعی، افزایش نزاع و خشونت، رواج فردگرایی، و کاهش اعتماد و احساس امنیت از جمله عوامل تأثیرگذار بر میزان مدارای اجتماعی هستند. بنابراین می‌توان با توسل به راهبردهایی چون تقویت شبکه‌های اجتماعی، برقراری امنیت و تقویت اعتماد بین افراد، ارتقای بینش و شناخت فرهنگی، توسعه روابط اجتماعی و همیاری از طریق نهادهایی چون وزارت آموزش و پرورش؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ و سازمان صداوسیما بر میزان مدارای اجتماعی در جامعه افزود. همچنین مفهوم مدارا باید به گفتمان سیاسی و اجتماعی جامعه ایران بازگردد تا تلاطم‌های موجود در جامعه کاسته شود و آرامش هم در سطح تصمیم‌گیران و مسئولان و هم در جامعه افزایش یابد. از همین روی، مدارا محوری در کنشگری، تصمیم‌گیری و قضاوت‌ها می‌تواند الگوی ارزشمندی برای رفتار مردم در جامعه

ایران باشد. چنین گفتمانی در سطح قضاوت و ارزیابی هم می‌تواند عرصه را برای حضور همه سلايق و عقايد در قدرت باز کند. تغيير چنين نگرشی از سوی نهادهای حاکمیت و مسئولان یقیناً بر جامعه و مردم هم تأثیرگذار خواهد بود و مهم‌ترین نتیجه چنین تأثیری می‌تواند افزایش همدلی و ارتقای مدارای اجتماعی باشد.

نقش رسانه‌ها و خانواده در ارتقای سواد رسانه‌ای، آگاهی اجتماعی، آموزش قوانین و حقوق شهروندی در حوزه مدارای اجتماعی واقعیتی انکارناپذیر است که نباید مورد غفلت واقع شود.

منابع و مأخذ

- ادیبی سده، مهدی، یاسر رستگار و سید صمد بهشتی (۱۳۹۱). «تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن بین اقوام ایرانی». **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۵۰: ۳۵۳-۳۷۵.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۷). «بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن». **فصلنامه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران**، شماره ۱: ۱۲۶.
- بوزان، بوری (۱۳۷۸). **مردم؛ دولت‌ها، ترس**. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۷). «سیاست قومی پهلوی اول در قبال قوم لر». **فصلنامه مطالعات راهبردی**، پیش شماره ۱: ۸۵-۱۲۴.
- پاننام، رابرت (۱۳۸۰). **دموکراسی و سنت‌های مدنی**. ترجمه محمدتقی دل‌افروز. تهران: جامعه‌شناسان.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و مریم امیدی آوج (۱۳۸۸). «ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها». **فصلنامه ژئوپلیتیک**، شماره ۱: ۴۸-۷۱.
- جمشیدیها، غلامرضا و شهرام پرستش (۱۳۸۶). «دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی‌یر بوردیو». **دوفصلنامه نامه علوم اجتماعی**، شماره ۳۰: ۱۳۲.
- جهانگیری، جهانگیر و حسین افراسیابی (۱۳۹۵). «مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا». **فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی**، شماره ۳: ۱۷۵-۱۳۵.
- چلبی، مسعود و مهدی امیرکافی (۱۳۸۵). «تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی». **فصلنامه مجله جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۲: ۳-۳۱.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۲). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- سعیدسلطانی، بهرام و محمدباقر علیزاده اقدم و کمال کوهی (۱۳۹۱). «ارتباط سرمایه فرهنگی با مدیریت بدن در بین دانشجویان دانشگاه تبریز». **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۴۷: ۱۸۱۲-۵.
- شارع‌پور، محمود، تقی آزاد ارمکی و علی عسکری (۱۳۸۸). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشگاه تهران و علامه طباطبایی». **فصلنامه مجله جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۱: ۶۴-۹۸.
- شهریاری، ابوالقاسم، محسن خلیلی و حسین اکبری (۱۳۹۴). «سنجش رابطه سرمایه اجتماعی با مدارای مذهبی». **فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، شماره ۱: ۱-۱۲۱.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۹۹). «تحلیل اثرات کرونا بر سبک زندگی». **خبرگزاری جمهوری اسلامی**، کد خبر: ۸۳۷۹۴۱۹۲.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۶). **آسیب‌شناسی اجتماعی (انحرافات اجتماعی)**. تهران:

انتشارات سمت.

عسگری، علی و محمود شارع‌پور (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی». **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۸: ۷۴۰.

فاین، بن (۱۳۸۵). **سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی: اقتصاد سیاسی و دانش اجتماعی در طلیعه هزاره سوم**. ترجمه محمدکمال سروریان. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فتحعلی، محمود (۱۳۷۸). **تسامح و تساهل: اخلاقی، دینی، سیاسی**. قم: مؤسسه فرهنگی طه. فکوهی، ناصر (۱۳۸۴). «پیر بردیو: پرسمان دانش و روشنفکری». **دوفصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۵: ۱۶۱-۱۴۱.

فیروزجائیان، علی اصغر، محمود شارع‌پور و نازنین فرزام (۱۳۹۵). «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین‌فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی». **فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات**، شماره ۳۵: ۷۳۱.

قاسمی، یارمحمد و احسان نامدار جوینی (۱۳۹۳). «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین فرهنگی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)». **فصلنامه فرهنگ ایلام**، شماره ۴۵-۴۴: ۷۲۱.

گرنفل، مایکل (۱۳۹۸). **مفاهیم کلیدی پیر بردیو**. ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران: شرکت نشر نقد افکار.

گلایی، فاطمه و اکرم رضایی (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان». **فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، شماره ۱: ۶۱۸۶.

محمدی، جمال، ابوعلی ودادهیر و فردین محمدی (۱۳۹۱). «مناسبات سرمایه فرهنگی و سبک زندگی». **فصلنامه مجله جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۴: ۱۲۳.

مطلبی، مسعود (۱۳۸۷). «جغرافیای سیاسی اقوام ایرانی». **ماهنامه زمانه**، شماره ۷۰: ۲۶۴۲. مقتدایی، فاطمه (۱۳۸۹). **بررسی و سنجش میزان مدارا و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

میری، احمد (۱۳۸۷). **وجه‌گوناگون تساهل سیاسی، در تسامح آری یا نه؟**. قم: انتشارات خرم. نصراللهی، یوسف و امید قادرزاده (۱۳۹۵). «مدارای اجتماعی در جوامع چندفرهنگی؛ مطالعه پیمایشی شهروندان میاندوآب». **دوفصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۱: ۱۴۷.

نیک‌خواه هدایت‌الله، زهرا ولی‌پور، پرنیان سرفراز و سیده زینب آهو قلندری (۱۳۹۹). «سنجش تعیین‌کننده‌های اجتماعی مؤثر بر مدارای اجتماعی در شهر بندرعباس». **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۷: ۱۳۹۱۷۹.

- Bourdieu, P. (2002). **An Invitation to reflexive sociology**. University of Chicago press and polity press.
- Bourdieu, P. & Passeron, J.C. (1996). **Rerproduction in education, society and cultural**. Beverly hills, CA: sage.
- Cigler, A., & Joslyn, M. R. (2002). 'The extensiveness of group membership and social capital: The impact on political tolerance attitudes'. **Political Research Quarterly**, 55 (1), 7-25.
- Defilippis, J. (2001). 'The myth of social capital in community development'. **Housing Policy Debate**, 12, 781-806.
- Dijker, A. M. & Koomen, W. (2007). **Stigmatization, Tolerance and Repair: An integrative psychological analysis of resposes to deviance**. Cambridge: University Press.
- Duriez, B., Soenens, B. & Beyers, W. (2004). 'Personality, Identity Styles and Religiosity: An Integrative Study among Late Adolescents in Flanders (Belgium)'. **Journal of Personality**, 72, 877-910.
- Gieling, M., Thijs, J. & Verkuyten, M. (2018). 'Voluntary and involuntary immigrants and adolescents, endorsement of multiculturalism'. **International Journal of Intercultural Relations**, 35 (2), 259-267.
- Halpern, L.W. (2003). 'The effect of higher education tolerance: An investigation of political and cultural attitudes of college students'. **Academic Forum**, 21, 90-130.
- Hjern, M., Eger, M. & Bohman, A. (2019). 'A New Approach to the Study of Tolerance: Conceptualizing and Measuring Acceptance, Respect, and Appreciation of Diference'. **Social Indicators Research (2020)**, 147: 897-919. Retrieved at: <https://doi.org/10.1007/s11205-019-02176-y>
- King, P. (1976). **Toleration**. London: George Allen and Unwin.
- Lyness, D. (2006). **Teaching Your Child Tolerance**. Retrieved at: <http://www.kidshealth.org/essay/Tolerance.html>
- McCrae, R.R. & Costa, P.T. (1999). 'A Five-factor Theory of personality'. In L. A. Pervin & O. P. John (Eds.), **Handbook of personality: Theory and research** (pp. 139-153).

- New York: Guilford Press.
- Parker, J. (2000). **Structuration**. Buckingham, Philadelphia, Open University Press.
- Putnam, R.D. (2002). **Democracies in flux: the evolution of social capital in contemporary society**. Oxford, England: Oxford University Press.
- Robinson, C. (2010). 'Cross-Cutting Messages and Political Tolerance: An Experiment Using Evangelical Protestants'. **Political Behavior**, 32, 495-515.
- Shahid, H., & Shahid, W. (2016). 'A study on, tolerance role in marital satisfaction'. **International Journal for Social Studies**, 2, 13-26.
- Siisianen, M. (2000). **The concept of social capital: Bourdieu vs. Putnam**. Department of social science and philosophy. Paper presented at IStR Fourth International Conference.
- Sullivan, J.L. & Transue, J.E. (1999). 'The psychological underpinnings of democracy: A selective review of research on political tolerance, interpersonal trust, and social capital'. **Annual Review of Psychology**, 50: 625-650.
- Sintang, S., Khambali, K. M., Hambali, N. S., Shahrud-Din, S., Rahman, N. F. A., & Zin, S. H. M. (2013). 'The culture of tolerance in families of new Muslims convert'. **Middle East Journal of Scientific Research**, 15, 1665-1675.
- Whitham, M. (2007). **Living better to gether: the relationship between social capital and quality of life**. Department of sociology Iowa state University.
- Wise, J. & Driskell, R. (2017). 'Tolerance Within Community: Does Capital Affect Tolerance?'. **Journal of Social Indicators Research**, Social November, 134, 607-629.
- Witenberg, R.T. & Butrus, N. (2018). 'Some Personality Predictors of Tolerance to Human Diversity: The Roles of Openness, Agreeableness, and Empathy'. **Journal of Australian Psychological Society**, 65: 220-235.
- Yeates, D. (2007). **Tolerating on faith: Lacke, Williams and the Origins of Political Toleration**. Dissertation, Department of Political Science, Duke University.